

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

نظر نهضت آزادی ایران درباره

قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از طرف ایران

والعصر ان الانسان لفي خسر الذين آمنوا و عملوا

الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر^۱

خبر قبول قطعنامه ۵۹۸ و آتش بس از طرف ایران که روز دوشنبه ۲۷ تیر ماه ۶۷ اعلام گردید و مصاحبه‌ای که متعاقب آن آقای هاشمی رفسنجانی جانشین فرمانده کل قوا و رئیس مجلس شورا انجام داد همچون بمبی در فضای ایران و جهان صدا کرد! صدایی که هنوز طنین و تکان آن در ذهن و زبانها انعکاس دارد. در میان هموطنان کسانی سخت افسرده و معترض شدند و کسان بیشتری امیدوار گشته نفس شکر و شادی کشیدند و عده‌ای نیز احساس خوشحالی همراه با اندوه نمودند.

دو روز بعد رسانه‌های گروهی به مناسبت سالگرد فاجعه پارسال مکه و به منظور تجدید برائت از مشرکین و تشدید انزجار نسبت به آل سعود و آمریکا، پیام مفصل پرمعنایی از رهبر انقلاب منتشر ساختند. در این پیام تأیید و توضیحاتی راجع به امضای قطعنامه شورای امنیت و تلخی این تصمیم آمده تأکید و توصیه‌ای به تداوم ستیزه با کفر و استکبار، به خاطر اسلام و مستضعفین، به مسئولین و رزمندگان، به امت حزب‌الله و جوانان و به مردم ایران شده، ضرورت و نقش روحانیون را مجدداً ستوده و سفارش نموده بودند.

* * *

عده زیادی نظر نهضت را می‌پرسند و لازم شده است در این نقطه عطف تاریخ انقلاب و جنگ مختصر تحلیل و توضیحی برای هموطنان عزیز بدهیم.

البته ما در هیچ زمان تکلیف سازش خفت‌بار و تسلیم نکرده بودیم بلکه اصرار داشتیم در شرایط مساعدتری که ایران در مواضع معنوی و نظامی و اقتصادی برتر بود با ابتکار و انتخاب خود، جنگ تحمیلی طولانی را به پایان عادلانه و شرافتمندانه می‌رساند. اینک اگر چه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران تأمین‌کننده تمامی منافع کشورمان نیست اما بنا به ضرب‌المثل ملی و همانطور که این روزها زبانزد شده است عقیده داریم "جلوی ضرر هر جا گرفته شود منفعت است".

ما آنچه در باره جنگ گفتنی بوده است گفته‌ایم و نمی‌خواهیم در این موقعیت بگوئیم که اگر به منطق چند ساله نهضت عمل شده بود چه منفعتی می‌داشت.

اما در هر حال جا دارد از جهات عدیده، ضمن تجلیل و طلب عفو و رحمت برای همه شهیدان به خون

۱- به شهادت عصر و زمانه حقا که آدمی در زیان و پشیمانی است مگر کسانی که ایمان به خدا آورده کارهای شایسته کردند و همدیگر را سفارش به حق و به صبر و پایداری نمودند.

خفته و کسانشان و برای ناتوان شدگان و خسارت دیده‌ها، شکرگزار خداوند رحمن حکیم باشیم و در عالم واقع‌بینی و نسبی‌نگری از دست اندرکاران نیز امتنان نموده نظریات خود را به شرح زیر به اطلاع برسانیم:

- ۱- قبول قطعنامه و آتش بس در حیات و ولایت و به امر رهبر انقلاب صورت گرفته است.
- ۲- این قضیه، بنا بر آنچه در مصاحبه جانشین فرماندهی کل قوا اشارت رفته است پس از مراجعه و استجازه و پیام رهبر انقلاب، به دست دولتیان و مسئولین نظام انجام شده است (بدون آن که متن و محتوای آن را افشا کرده باشند). چنانچه این تصمیم و ترتیب کار پس از حیات یا در غیاب و خلاف نظر "امام" صورت می‌گرفت خدا می‌داند کشور با چه مسائل و مکافات‌ها روبرو می‌شد!
- ۳- مقام رهبری و متولیان و مسئولین بالای جمهوری اسلامی ایران - به هر ترتیب و تقدیر که رخ داده باشد- حاضر گردیدند به ناچار و به حکم واقعیت و مصلحت، تجدیدنظر در سیاستها و شعارهای گذشته بنمایند و طریق مطالعه و مشورت - ولو محدود و مخصوص - را پیش بگیرند. بنا به اظهار آقای هاشمی رفسنجانی "حضرت امام شخصیت‌های سیاسی و علما را مامور کردند تا مسئله را مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار داده، قدمهای لازم را در راه پذیرش آتش‌بس بردارند که اولین گام آن قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد بود" و اضافه شده است که "هیچ شبهه‌ای از ضعف و ناتوانی در این تصمیم‌گیری وجود نداشته است".

حقیقت آن است که خیلی دیر و ناقص به این تصمیم‌گیری رسیدند ولی باز هم دیر رسیدن به از نرسیدن است.

- ۴- در مصاحبه جانشین فرماندهی کل قوا در توضیح تصمیم فوق به دو نکته مهم اشاره شده است. یکی نقش و نفوذ سیاستهای خارجی و دیگر مصلحت‌اندیشی و به حساب آوردن مردم ایران و عراق، با احتراز از خسارات وارد شونده به دو ملت، از جمله گفته‌اند:

"بر ما روشن است که کفر جهانی و استکبار در این مقطع تصمیم گرفته است که بطور جدی از پیروزی سریع ما جلوگیری کند و پافشاری ما در این مقطع نیز ممکن است به خسارت فوق‌العاده‌ای برای مردم ما و مردم عراق منجر شود که ما در محاسبه آن، آن‌چیزها را فعلاً مصلحت ندیدیم."^۱

دعوت و مشارکت شخصیت‌های مختلف سیاسی و علما برای تصمیم‌گیری نهایی و ترتیب کار در مجلس خالی از اغیار، قوت و اعتبار خاص به آن می‌دهد و خوشبختانه راه برای اعتراض و افتراقهای بعدی جناحهای حاکمیت و برای تهمت و آزارهای مخالفین بسته شده است.

- ۶- امیدواریم به فضل خدا کار به آخرین مرحله "جنگ جنگ تا نابودی" نکشد و آبادی و آدمی از سرزمین ایران رخت برنبدد.

- ۷- جریان به گونه‌ای روی داده است که هزار شکر، ایران لبنان نشد! سیر تحول حوادث و تحریکات با وجود همه گونه عوامل سیاسی و مکتبی و اختلافات طبیعی و تاریخی که در کشور پهناور ما وجود دارد در جهت دسته‌بندیهای کینه‌توزانه و جنگهای خانگی سوق داده نشده حتی توصیه‌های خلاف آن را کرده‌اند. انشاءالله با هوشیاری و بزرگواری همگان و فطرت دیرینه ایرانیان، از این پس نیز در آن جهت حرکت نخواهد کرد.

^۱ مطالب داخل گیومه از روزنامه کیهان ۶۷/۴/۲۸ گرفته شده است.

۸- مقامات رهبری‌کننده و گردانندگان - به هر صورت و عنوان - در حالی که خود سوار بر مسند و مسئولیت هستند مبادرت به این اقدام و "انقلاب" کردند و با تسلط بر نظام و تجربه‌هایی که کسب کرده‌اند خود عهده‌دار اجرا و جوابگویی پیامدها و توقعها و همچنین اتخاذ تدبیرها و انجام ترمیم‌ها خواهند شد و به مصداق اصل قرآنی "الا تزر وازره وزر اخری" جوابگویی خدا و خلق خدا و وجدان خود خواهند بود.

۹- اولین برخورد و معضل کار رودروئی با افعی زخم خورده برای پیاده کردن قطعنامه و رسیدن به صلح صحیح عادلانه در شرایط پیش آمده است. دلخواه آن است که با حداکثر سرعت و سود و با حداقل سختی و سوخت صورت گیرد. حتماً با تجربه گروگانگیری و موافقتنامه الجزایر به این حقیقت رسیده‌اند که خیلی دانایی و کارآیی و نهایت ورزیدگی و حسن نیت لازم است در نمایندگان و مامورین منتخب وجود داشته باشد.

خود می‌دانند و متذکر شده‌اند که قبول قطعنامه نه به معنای ختم غائله است و نه رسیدن ما به حقوق حقه خودمان، جا دارد از جو سیاسی ظاهراً مساعدی که از چند ماه قبل علیرغم تندروان چپگرا در صدر تأمین آن بوده‌اند حداکثر استفاده را در جهت تحقق آنچه مطلوب و معهود در قطعنامه است، بنمایند. از جمله تصریح گردد که منظور از بازگشت به مرزهای بین‌المللی مرزهای توافق شده در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر است.

۱۰- با توجه به تلخی و تندی و ضعف این تصمیم که خودشان اعتراف نموده‌اند باید به این نکته توجه شود که اگر در سالهای استقرار نظام، فضای باز سیاسی حکمفرما می‌بود و آزادی کامل برای انتقاد و ارائه افکار، بر طبق قانون اساسی وجود می‌داشت مملکت با تبلیغات انحصاری و جوسازیهای جاهلانه و شعارهای توخالی دچار چنین فرجامی نمی‌شد. حال حداقل انتظار و امید چنان است که از روی انصاف و اجبار هم که شده باشد بازگشت عبرت‌انگیز به فضای باز سیاسی و حاکمیت ملی بنمایند. شاید به خواست خدا و با حضور و حرکت مردانه مردم آرمانهای نخستین و راستین انقلاب تحقق یافته، سلامتی و دوستی و سرنوشت درخشان دو دنیا نصیب ملت ایران گردد.

در چنین محیط افراد و عوامل خدمتگزار کارساز و شایسته رفته رفته جای ناخواسته‌ها را خواهند گرفت و دیر یا زود حق به‌حق‌دار، یعنی به ملت صاحب‌اختیار خواهد رسید.

۱۱- تمام جریانها و مسائل نظامی و سیاسی و اداری فوق که آرزو می‌کنیم بر وفق مراد در جهت حق و صلاح پیش رود، به جای خود محفوظ، ولی نباید اعلام قبولی قطعنامه ما را خام و مطمئن نموده از برگشت‌های روزگار و از حفاظت مواضع و سرحدات غافل گردیم. همانطور که در بیانیه "وظیفه دینی و ملی همگانی . . ." مورخ ۶۷/۴/۲۳ نهضت آمده است، این احتمال همیشه وجود دارد و این احتیاط همیشه ضرورت دارد که در صورت تجاوز مجدد به خاک و خانه ما و به تمامیت ارضی و استقلال ایران، رزمندگان ایثارگر دلاور و همه مردم با آمادگی لازم قیام به دفاع ملی بنمائیم. به هیچوجه نباید حالت رزمی و تدارک دفاعی از دست داده و ضعیف شود.

۱۲- علاوه بر آمادگی و تدارک امکانات دفاعی و با امید و به فرض اینکه آرامش و امنیت لازم به لحاظ استقلال و استحکام کشورمان فراهم گردد تازه باید فرمان قرآنی "واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من

رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم^۱ را استماع و اجرا نموده هم پیش‌بینی و تأمین بودجه و تدابیر حفاظتی و سوق‌الجیشی با آخرین اختراعات قرن را بنمائیم و هم روی تولید و تدارک و توسعه‌های ضروری تسلیحات و بالا بردن حداکثر قدرت دفاعی و تهاجمی متقابله خودمان کار کنیم تا همسایگان و بداندیشان جرأت تجاوز به ما را از سر به دور بدارند.

۱۳- بطور کلی و اصولاً از جهات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و سازمانی نیز نباید غافل و بی‌کار مانده تصور نمائیم با قبول قطعنامه و آتش‌بس و دریافت غرامت مواجه با هیچ بحران و بدبختی نیستیم و مسئله و مصایب جنگ یا عقب‌افتادگیها یا خسارات این مدت و گرفتاریهای بزرگ را برایمان به وجود نیاورده است و نخواهد آورد و ملت به راحتی نجات خواهد یافت.

۱۴- در این مقطع زمانی شاید لازم باشد کاری به گذشته و کرده‌ها و به دیگران نداشته، برای رضای خدا و در مرحله اول به فکر حال و آینده خودمان باشیم که از هر کس نیازمندتریم. تلاش برای بقای مملکت و ملت نماییم. به بازیافتن از دست رفته‌ها و ترمیم خرابیها و مخصوصاً به سازندگی و خودکفائی بپردازیم. به جای در افتادن با خودی و بیگانه، به منظور انتقام یا ادعای اصلاح آنان و به جای "جنگیدن با جهان" (که خدا از احدی نخواست) راه خودسازی و خداجویی و تقوی پیش گرفته، قیام به خدمت و خیر بنمائیم.

ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و

ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین

نهضت آزادی ایران

تهران اول مرداد ۱۳۶۷

۱. انفال ۶۰ - و برای آنها و برای بر حذر داشتن دشمنان خدا و خودتان (از حمله به شما) تا حد توان و تولید به آمادگی و تدارک نیرو و پیاده و سواره نظام بپردازید.